فضیلت و فواید تربت امام حسین (ع)

 مقصد سوم در فصل هفتم از باب زیارات: کیفیت زیارت امام حسین علیه السلام و زیارت حضرت عباس؛ زیارات مخصوصه؛ در اواخر این فصل، اوقات زیارت امام حسین علیه السلام را بیان می کنیم:

تذییلٌ بدانکه روایات بسیار وارد شده که در تربت آن حضرت شفاى هر درد و مرض است مگر مرگ و امان است از بلاها و باعث ایمنى از هر خوف و بیم است و اخبار در این باب متواتر است و معجزاتى که به سبب این تربت مقدّسه ظاهر گردیده است زیاده از آنست که ذکر شود و من در کتاب فوائد الرضویّه که در تراجم علماء امامیّه است در احوال سیّد محدّث متبّحر آقا سیّد نعمه اللّه جزائرى ره نوشتم که آن سید جلیل در تحصیل علم زحمت بسیار کشیده و سختى و رنج بسیار برده و در اوایل تحصیل چون قادر نبوده بر چراغ به روشنى ماه مطالعه مى نموده لاجرم از کثرت مطالعه در ماهتاب و بسیار چیز نوشتن و مطالعه کردن چشمانش ضعف پیدا کرده بود پس بجهت روشنى چشم خود به تربت مقدّسه حضرت سیدالشهداء علیه السلام و تراب مراقد شریفه ائمّه عراق علیهم السلام اکتحال مى کرد و به برکت آن تربت ها چشمش روشن مى گشت و نیز نگاشتم که مبادا اهالى عصر ما بواسطه معاشرت با کفّار و ملاحده این مطلب را استعجاب نمایند همانا کمال الدّین دمیرى در حیوه الحیوان نقل کرده که افعى هرگاه هزار سال عمر کرد چشمانش کور مى شود حق تعالى او را ملهم فرموده که براى رفع کورى خود چشم خود را به رازیانج تر بمالد لاجرم با چشم کور از بیابان قصد مى کند بساتین و جاهائى را که رازیانج در آنجا باشد و اگر چه مسافتى طویل در بین باشد پس خود را مى رساند به آن گیاه و چشم خود را بر آن مى مالد روشنى چشم او برمى گردد و این مطلب را زمخشرى و غیره نیز نقل کرده اند پس هرگاه حق تعالى در یک گیاه ترى این خاصیت قرار داده باشد که مار کور پى به آن ببرد و بهره خود را از آن بگیرد چه عجب و استبعادى دارد که در تربت پسر پیغمبر صلوات اللّه علیه و آله که در راه او خودش و عترتش کشته شده شفاء از جمیع امراض و فوائد و برکاتى قرار داده باشد که شیعیان و محبّان او از آن بهره ها برند و ما در این مقام به ذکر چند خبر قناعت مى کنیم .

اوّل روایت شده که حوریان بهشت چون یکى از ملائکه را مى بینند که از براى کارى بر زمین مى آید از او التماس مى کنند که براى ما تسبیح و تربت قبر امام حسین علیه السلام به هدیّه بیاور .

دوّم به سند معتبر منقول است که شخصى گفت حضرت امام رضا علیه السلام براى من از خراسان بسته متاعى فرستاد چون گشودم در میان آن خاکى بود از آن مرد که آورده بود پرسیدم که این خاک چیست؟ گفت: خاک قبر امام حسین علیه السلام است و هرگز آن حضرت از جامه و غیر جامه چیزى به جایى نمى فرستد مگر آنکه این خاک را درمیانش مى گذارد و مى فرماید این امان است از بلاها به اذن و مشیّت خدا .

سوم روایت است که عبداللّه بن ابى یعفور به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که یک شخص از خاک قبر امام حسین علیه السلام برمى دارد و منتفع مى شود و دیگرى برمى دارد و منتفع نمى شود فرمود که نه واللّه هر که بردارد و اعتقاد داشته باشد که به او نفع مى بخشد البته منتفع مى شود .

چهارم از ابوحمزه ثمالى روایتست که عرض کردم به حضرت صادق علیه السلام که مى بینم اصحاب ما مى گیرند خاک قبر امام حسین علیه السلام را و طلب شفا از آن مى کنند آیا شفا در آن هست فرمود که طلب شفا مى توان کرد از خاکى که بردارند از میان قبر تا چهار میل و همچنین است خاک قبر جدّم رسول خدا صلى الله علیه و آله و قبر امام حسن و امام زین العابدین و امام محمّد باقرعلیهم السلام پس بگیر از آن خاک که آن شفاى هر درد است و سپرى است براى دفع هر چه از آن ترسى و هیچ چیز به آن برابرى نمى کند از چیزهائى که از آن شفا طلب مى کنند به غیر از دعا و چیزى که آن را فاسد مى کند آن است که در ظرفها و جاهاى بد مى گذارند و آنها که معالجه به آن مى کنند کم است یقین ایشان. هر که یقین داشته باشد که این از براى او شفا است هرگاه معالجه به آن کند او را کافى خواهد بود و محتاج به دواى دیگر نخواهد شد و فاسد مى گردانند آن تربت را شیاطین و کافران از جنیّان که خود را بر آن مى مالند و بهر چیز که مى گذرد آن تربت، آن را بو مى کنند و اما شیاطین و کافران جنّ پس حسد مى برند فرزندان آدم را بر آن و خود را بر آن مى مالند که اکثر نیکى و بوى خوشش برطرف مى شود و هیچ تربت از حایر بیرون نمى آید مگر مهیّا مى شوند از شیاطین و کافران جنّ از براى آن تربت آن قدر که عدد ایشان را کسى به غیر از خدا احصا نمى تواند کرد و آن تربت در دست صاحبش است و ایشان خود را بر آن مى مالند و ملائکه نمى گذارند ایشان را که داخل حایر شوند و اگر تربت سالم از اینها بماند هر بیمار را که به آن معالجه نمایند البّته در آن ساعت شفا مى یابد پس چون تربت را بردارى پنهان کن و نام خدا بر آن بسیار بخوان و شنیده ام که بعضى از آنها که تربت را برمى دارند آن را سبک مى شمارند حتّى بعضى از ایشان آن را در توبره چهارپایان مى اندازند یا در ظرف طعام یا چیزهائى که دست بر آن بسیار مالیده شود از خورجین ها و جوالها پس چگونه شفا یابد از آن کسى که به این نوع آن را حرمت دارد ولکن دلى که در آن یقین نیست و سبک مى شمارد چیزى را که صلاحش در آن است عمل خود را فاسد مى کند.

پنجم روایت شده که هرگاه یکى از شما خواهد که بردارد تربت را به اطراف انگشتان بردارد و قدر آن مثل نخود است ببوسد آن را و بر هر دو دیده گذارد وبر سایر بدن بمالد و بگوید:

اَللّهُمَّ بِحَقِّ هذِهِ التُّرْبَهِ وَبِحَقِّ مَنْ حَلَّ بِها وَثَوى فیها وَبِحِقِّ جَدِّهِ وَاَبیهِ وَاُمِّهِ وَاَخیهِ وَالاَئِمَّهِ مِنْ وُلْدِهِ وَبِحَقِّ

خدایا به حق این تربت شریف و به حق آن بزرگوارى که در آن فرود آمد و مسکن گرفت و به حق جد و پدر و مادر و امامان از فرزندانش و به حق

الْمَلاَّئِکَهِ الْح آفّینَ بِهِ اِلاّ جَعَلْتَه ا شِف آءً مِنْ کُلِّ د آءٍ وَبُرْءا مِنْ کُلِّ مَرَضٍ وَنَجاهً مِنْ کُلِّ آفَهٍ وَحِرْزا مِمّا اَخافُ وَاَحْذَرُ

فرشتگانى که او را دربرگرفته اند که بگردانى آن را شفاى از هر درد و درمان از هر بیمارى و رهائى از هر آفت و پناهگاهى از هر چه از آن مى ترسم و پرهیز مى کنم

پس آن را استعمال نماید و روایت شده که مهر کردن تربت امام حسین علیه السلام آنست که بر آن سوره اِنّا اَنْزَلْناهُ فى لَیْلَهِ الْقَدْرِ بخوانى و نیز روایت شده که هرگاه تربت را بخورى یا به کسى بخورانى بگو :

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقا واسِعا وَعِلْما نافِعا وَشِفآءً مِنْ کُلِّ دآءٍ اِنَّکَ عَلى کُلِّ شَىْءٍ قَدیرٌ

به نام خدا و به ذات خدا، خدایا بگردانش روزى فراخ و دانشى سودمند و شفاى از هر دردى که تو بر هر چیز توانائى

مؤ لف گوید که فوائد تربت شریفه آن حضرت بسیار است از جمله آنکه مستحبّ است با میّت در قبر گذاشتن و کفن را به آن نوشتن و دیگر سجده کردن بر آنست که روایت شده که سجده بر آن هفت حجاب را مى درد یعنى باعث قبولى نماز مى شود که به آسمانها بالا مى رود و دیگر تسبیح از تُربت آن حضرت ساختن و به آن تسبیح ذکر کردن و در دست داشتن است که فضیلت عظیم دارد و از خاصیتش آنست که در دست آدمى تسبیح مى گوید بى آنکه صاحبش ‍ تسبیح بگوید و معلوم است که این تسبیح غیر از آن تسبیحى است که در همه اشیاء است کما قال اللّه تعالى :

وَ اِنْ مِنْ شَىْءٍ اِلاّ یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلکِنْ لاتَفْقَهُونَ تَسْبیحَهُمْ

و چیزى نیست جز آنکه تسبیح گوید به حمد او ولى شما تسبیحشان را نمى فهمید

و عارف رومى در معنى آن گفته :

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| گر تو را از غیب چشمى باز شد ج |  | با تو ذرّات جهان همراز شد |
| نطق خاک ونطق آب ونطق گِل |  | هست محسوس حواسّ اهل دل |
| جمله ذرّات در عالم نهان |  | با تو میگویند روزان وشبان ج |
| ما سَمیعیم وبصیر وباهُشیم جج |  | با شما نامحرمان ما خامشیم |
| از جمادى سوى جان جان شوید |  | غلغل اجزاى عالم بشنوید |
| فاش تسبیح جمادات آیدت |  | وسوسه تأویلها بزدایدت ج |

بالجُمله این تسبیحى که در این روایت است تسبیحى است که از خصوصیّات تربت حضرت سیّد الشّهداء اَرْواحُنا لَهُ الْفِداء است.

ششم از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که بگرداند تسبیح تربت امام حسین علیه السلام را و بگوید: ((سُبْحانَ اللّهِ وَالْحَمْدُلِلّهِ وَلا اِلهَ اِلا اللّهُ وَاللَّهُ اَکْبَرُ)) با هر دانه بنویسد حق تعالى از براى او شش هزار حسنه و محو کند از او شش هزار گناه و بلند کند از براى او شش هزار درجه و بنویسد از براى او شش هزار شفاعت و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرکه بگرداند سنگ هائى را که ازتربت امام حسین علیه السلام مى سازند یعنى تسبیح پخته پس یکبار استغفار کند هفتاد استغفار از براى او نوشته مى شود و اگر تسبیحى را در دست نگاه دارد و تسبیح نگوید به عدد هر حبّه هفت مرتبه از براى او نوشته مى شود

هفتم در حدیث معتبر منقول است که چون حضرت صادق علیه السلام به عراق تشریف آوردند گروهى نزد آن حضرت آمدند و عرض کردند که دانسته ایم تربت امام حسین علیه السلام موجب شفاى هر درد است آیا باعث ایمنى از هر خوف هست فرمود بلى هرگاه کسى خواهد که او را از هر بیمى امان بخشد باید تسبیحى که از تربت آن حضرت ساخته باشند در دست بگیرد و سه مرتبه این دعا را بخواند:

اَصْبَحْتُ اَللّهُمَّ مُعْتَصِما بِذِمامِکَ وَجِوارِکَ الْمَنیعِ الَّذى لا یُطاوَلُ وَلا یُحاوَلُ مِنْ شَرِّ کُلِّ غاشِمٍ وَطارِقٍ مِنْ سآئِرِ مَنْ

بامداد کردم خدایا در حالى که چنگ زده ام به پیمان تو و جوار محکمت که مورد دستبرد واقع نشود و کسى قصد آن نتواند از شر هر ستمکار و شبیخون زننده اى از تمامى

خَلَقْتَ وَما خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِکَ الصّامِتِ وَالنّاطِقِ فى جُنَّهٍ مِنْ کُلِّ مَخُوفٍ بِلِباسٍ سابِغَهٍ حَصینَهٍ وَهِىَ وِلاَّءُ اَهْلِ بَیْتِ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ

کسانى که آفریدى و آنچه خلق فرمودى از مخلوقات خموش و گویایت (و بنهم خود را) در زیر سپر و جوشنى از هر موجود مخوف و ترسناکى با لباس محکم و نگهدارنده و آن (سپر و لباس ) همان دوستى خاندان پیامبر تو محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ مُحْتَجِزا مِنْ کُلِّ قاصِدٍ لى اِلى اَذِیَّهٍ بِجِدارٍ حَصینٍ الاِخْلاصِ فِى الاِعْتِرافِ بِحَقِّهِمْ وَالتَّمَسُّکِ بِحَبْلِهِمْ جَمیعاً

صلى اللّه علیه و آله است و نگهدارى کنم خود را از هر که آهنگ آزارم کند به دیوار محکم اخلاص در اعتراف کردن به حق ایشان و چنگ زدن به رشته محکم ایشان همگى

مُوقِنا اَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَمِنْهُمْ وَفیهِمْ وَبِهِمْ اُوالى مَنْ والَوْا وَاُعادى مَنْ عادَوْا وَاُجانِبُ مَنْ جانَبُوا فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

در حالى که یقین دارم که حق از آنها است و با آنها است و از آنها است و در میان آنها است و بوسیله آنها است  دوست دارم هر که را آنها دوست دارند و دشمن دارم هر که را دشمن دارند و کناره گیرم از هر که کناره گرفتند درود فرست بر محمد و آلش

وَاَعِذْنِى اللّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ کُلِّ ما اَتَّقیهِ یا عَظیمُ حَجَزْتُ الاَعادِىَ عَنّى بِبَدیعِ السَّمواتِ وَالاَرْضِ اِنّا جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ اَیْدیهِمْ سَدّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدّا فَاَغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لا یُبْصِرُونَ

و نگاهم دار خدایا بوسیله ایشان از شر هر چه از آن پرهیز دارم اى خداى بزرگ دور ساختم دشمنان را از خود بوسیله آفریننده آسمانها و زمین (ما نهادیم از پیش رویشان سدى و از پشت سرشان سدى و پرده بر دیده شان افکندیم که نمى بینند)

پس تسبیح را ببوسد و بر هر دو چشم بمالد و بگوید:

اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُکَ بِحَقِّ هذِهِ التُّرْبَهِ الْمُبارَکَهِ وَبِحَقِّ صاحِبِها وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَبِحَقِّ اَبیهِ وَبِحَقِّ اُمِّهِ وَبِحَقِّ اَخیهِ

خدایا از تو خواهم به حق این تربت مبارک و به حق صاحب آن (حضرت اباعبداللَّه ) و به حق جدّش و به حق پدرش و به حق مادرش و به حق برادرش

وَبِحَقِّ وُلْدِهِ الطّاهِرینَ اجْعَلْها شِفآءً مِنْ کُلِّ دآءٍ وَاَمانا مِنْ کُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظا مِنْ کُلِّ سُوَّءٍ

و به حق فرزندان پاکش بگردان آن را شفاى از هر دردى و امان از هر ترسى و نگهدارنده از هر بدى

پس تسبیح را بر جبین خود بگذارد پس اگر در صبح چنین کند در امان خدا باشد تا شام و اگر در شام چنین کند در امان خدا باشد تا صبح و در روایت دیگر منقول است که هر که از پادشاهى یا غیر او ترسد چون از خانه بیرون آید چنین کند تا حرزى باشد او را از شرّ ایشان

مؤ لّف گوید که مشهور میان علماء آن است که خوردن گل و خاک مطلقاً جایز نیست مگر تربت مقدسه امام حسین علیه السلام به قصد شفا بى قصد لذّت به قدر نخودى بلکه احوط آن است که به قدر عدسى باشد و خوبست که تربت را در دهان بگذارد و بعد از آن جرعه اى از آب بخورد و بگوید ((اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقا واسِعا وَعِلْما نافِعا وَشِفاءً مِنْ کُلِّ دآءٍ وَسُقْمٍ)) علامه مجلسى ره فرموده احوط آن است که مهر و تسبیح و تربت آن حضرت را نخرند و نفروشند بلکه به هدیّه و بخشش بدهند و در برابر آنها اگر تراضى کنند بى آنکه اوّل شرط کرده باشند شاید بد نباشد چنانچه در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که خاک قبر امام حسین علیه السلام را بفروشد چنان است که گوشت آن حضرت را فروخته و خریده باشد

مؤ لّف گوید که شیخ ما محدّث متبحّر ثقه الاسلام نورى ره در دارالسلام نقل فرموده که روزى یکى از برادران من به خدمت مرحومه والده ام رسید مادرم دید که تربت امام حسین علیه السلام را در جیب پایین قباى خود گذاشته مادرم او را زجر کرد که این بى ادبى است به تربت مقدسه چه آنکه بسا شود در زیر ران واقع شود و شکسته گردد برادرم گفت چنین است که فرمودى و تا به حال دو مهر شکسته ام ولکن عهد کرد که من بعد در جیب پایین نگذارد پس چند روزى از این قضیّه گذشت علامه والدم در خواب دید بدون اینکه از این مطلب اطلاع داشته باشد که مولاى ما حضرت ابوعبداللّه الحسین علیه السلام به زیارت او تشریف آورد و در اطاق کتابخانه نشست و ملاطفت و مهربانى بسیار کرد و فرمود بخوان پسران خود را بیایند تا آنها را اکرام کنم پس والد پسرها را طلبید و با من پنج نفر بودند پس ایستادند در مقابل آن حضرت و در نزد آن حضرت از جامه و چیزهاى دیگر بود پس یک یک را مى خواند و چیزى از آنها به او مى داد پس نوبت به برادر مزبور سلمه اللّه رسید حضرت نظرى بر او افکند مانند کسى که در غضب باشد و التفات فرمود بسوى والد مرحوم و فرمود این پسر تو دو تربت از تربتهاى قبر من در زیر ران خود شکسته است پس مثل برادران دیگر او را نخواند بلکه افکند بسوى او چیزى و الان در ذهنم است که گویا قاب شانه ترمه به او داد پس علامه والد بیدار شد و خواب خود را براى مرحومه والده نقل کرد و والده حکایت را براى ایشان بیان کرد والد تعجّب کرد از صدق این خواب.